

ای بنت ملکوت نامہات رسید و مضمون مفهوم گردید دلیل تبطل و تضرع بود و برهان انجذاب و التهاب خوشا بحال تو کہ در این حالتی و بر چنین استقامتی ای بنت ملکوت رب الملکوت شمس حقیقت یک تجلی و اشراق بر امکان و کیهان فرمود جمیع کائنات از پرتو آن اشراق هستی و حیات یافتند و در عرصه وجود محشور گردیدند پس جمیع کائنات صفحات آئینہ‌اند کہ شمس حقیقت پرتو فیض افکنده جمیع این صفحات مرایا هستند و حکایت از شمس حقیقت نمایند و فیض فیض واحد است و تجلی تجلی واحد ولی این مرایای متنوعه مختلفند بعضی در نہایت صفا و لطافت و منعکس از پرتو شمس حقیقت و تجلی شمس ظاہر و باہر و لامع و مرایائی دیگر پر غبار و پر کدر لہذا از استفاضه محروم و مہجور مانده احبای الہی مرایای صافیہ‌اند کہ در نہایت لطافت و صفا حکایت از نیر آفاق کنند و طوائف دیگر صفحات حجر و مدر مغبرند علی الخصوص اہل بغضا و عناد و ظلم و بیداد و تعصب جاہلیہ کہ از شدت غبار مانند سنگ سیاه شدہ‌اند کہ پرتو آفتاب در آن سطوع و اشراقی ندارد حال این آئینہ‌ها را کہ محروم از فیضند نباید بیگانہ شمرد و اغیار شناخت و دشمن دانست و متوحش شمرد بلکہ باید در نہایت محبت و مہربانی از اعضای خویش شمرد بیگانہ نگفت آشنا دانست اغیار نباید شمرد یار باید دانست و بتربیت ایشان پرداخت و دلسوزی کرد و غمخواری نمود و باخلاق رحمانی دلالت کرد تا آن غبار از صفحات آن مرایا زائل شود و اشعه ساطعہ شمس حقیقت بدرخشد ای دختر ملکوت زنہار زنہار با کسی بیگانہ مباشید و لو متوحشترین روی زمین و از خدا بیخبر باشد یا خود دشمن باشد بلکہ یگانگی طلبید و آزادگی او خواهید و فرزاندگی او جوئید تا این بغض و نفاق و عداوت و جفا و ظلم و عدوان و کذب و بہتان و غرور و طغیان بکلی از میان برخیزد جہان جنت ابھی گردد و کیهان کشور آسمان شود نوع انسان فرشتگان گردند و افراد بشر مظہر الطاف جلیل اکبر گردد این موهبت عالم انسانیت و این ہدایت مقدسہ ربانی ای بنت ملکوت از محافل آراستہ در بوفالو مرقوم نموده بودی کہ در آن محافل بتبلیغ مشغولید اگر استقامت نمائید و تحمل مشقت کنید و ملال نیارید یقین عنقریب آن اقلیم روشن گردد و شمس حقیقت بر تلال و دیار بتابد ای بنت ملکوت

فقرا و ایتام و عجزہ از ہر طوائف و ملل را بسیار مکرم دارید و بی نہایت رعایت
کنید مانند خادم حقیقی خدمت نمائید و آنانرا بزرگوار شمیرید و خود را خادم لیل و
نہار دانید